


کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۵۴۲

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

| | | |
|---------------------------|----------|--|
| کتابخانه مجلس شورای اسلام | |  جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب ۲۰۸۷۰۷ |
| کتاب | نام کتاب | |
| مؤلف | | |
| مترجم | | |
| شماره قفسه | ۷۵۴۲ | |

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۸۷۰۷

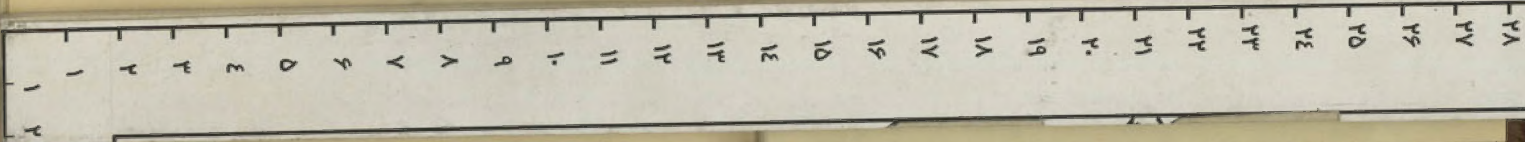
کتاب سید درویش

مؤلف

مترجم

۱۷۵۴۲

شماره قفسه



لبراصری

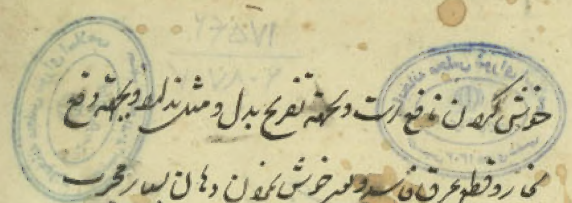


۱۷۵۴۲
۲۰۸۷۰۷



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی من ارسله فی الدنیا والآخره
سبحانک اللهم یا قدوس ویا طیب انعمت علینا انوار معرفتک
وادق خلاصت معرفتک لا بعد لیس فی الدنیا والآخره
تالیفات حکیم مومن که هیچ نعمتی نباشد بجز اینها و معرفت
پایانست عرفان اسرار طایفه معرفت
اسکنند زنده معصوم طاقت و بهر رنگ روح را روح و لعل
دو سواست و فراموشی بهر دلیله حقیق و بهر دلیله خوش



خوشی که آن دفع است در کتبه تفریح بدل و مشند له و بکته دفع
 بجای و قطع عرق فاسد و بر خوشی که آن دمان بسیار مجرب
 است و در سفوف سوار سوطایس که اسکن در رقیب
 دله لهند اسفوف اسکن زریه گویند فوشش در بدن تا دله
 با دفع است ص قفسه ساج یا رقیب که آن دانه در مجرب
 از دهن یقون عمو هر اسرون مستح یا بیدیه کایه
 قفسه خشک یا رنگ زبیره کایه یا چینه ارشد
 خلفه دار ففسه زنجیر قفسه نار دانه
 جوز نوار کا فور یا قفسه که جزو غیر مشک میگویند
 که شش چند آن بیش از طعام یا بعد از طعام از یک مقصد
 تا سه مقصد تقوّل نمایند باب سفوف بوط
 منقول از منصور از جهت تقطیر البزل و سلسل ابول جبر
 ص بوط مقشر بودله کند که شیر خشک کل در مرغ غریبا
 سفوف

سفوف زنده بقدر در دریم حج دریم شام میزنند باب
 در سفوف زرشک چمن سفوف معدا و جگر و حبش کم نخواه
 ساق از کچک چربان بودله آردینق که دوم کوثره سفوف نایند
 باب سفوف منقول از قمران زکریا میفرماید که در باب
 جفته دفع نفوس برده در درم صابون برده که با کیکه میکنند خواه
 که نم خرد که هر روز در دهان بگذرانند که ابتدا از دندان
 تا دله ببارد و بعد از استنشاق در سفوف چمن و ساق چمن میزنند
 که تا کول و مشروب بعد از تنقیذ بدن استغفار نمایند باب
 در سفوف چمن ده که بعد از آن که در کتبه است بر کافور امین
 باشد یا بر سر در خواهد بود مقصد در دفع تشنگی و طبع صفراء
 و در حیات و لا و اعراف پسر ز جگر و معدا مقصد است
 و اگر در ترها بگذرانند که را زباله که در اکثر معتدل خنده قدر را

زینکه کند اگر معتدل خنده قدر را و چند آن را که کند با در کینه چنان
 که هر که با در شتاب اندر می رسد در شتاب معتدل است باب
 در سبکی و لغو جهت تقویت مغنا و جگرها در رفع غشیان
 به واسطه صفرا و دفع مرق باغ ارات آب به شیرین
 و ترشی با لوبه و هر جزو که قند لایم یک جزو بقوام آرند
 و اگر نه آب به شیرین بقوام آرند قهقش آن که خواهر به آب
 سبکین اصل جهت حمایت دسده با و طشت و جلاء معتدل
 در رفع بغم خمرده و طر آب شیرین بقدریک حدت هر که سلا
 بشکند پوست به کرفس پوست به رازنا به بکده شش
 و در قیظ کرفس در رازنا به یک هر دقیقه در هر که مذکور یک
 شبانه را در خب نیناد به آتش هموار رخت تاندس
 او کم شده بعد س فغم بریزند هر جزو در لایم خطی و دود
 جزو لذت بخش بپزند تا بقوام آید و اگر خنده زعفران تا مقام
 زعفران

زعفران را در حره لسته در وقت جوشیدن بمیش انداخته ف
 باب در سبکی و نوز در معتدل جهت تنه هر که
 و خفف جگر صفرا و حرا و رفع ارات ص نیم رازنا نیم
 کثوت اینسون کرفس نیم خیار نیم خربزه نیم کرفس
 نیم رازنا نیم بکر احمد سوس غناب در هر که د آب
 خنثی بخت شد با بنفشه آید بعد از آن س فغم شکر
 بقوام آرند باب در سبکی و الجدا که ارات بافت
 حقیقات در رفع تب ربع مجرب و بکده امراض پرز
 بعد میر است ص الجدان را نیم کوب که شب
 هر که نود مقتر آب فغم سق خنثی راز و دیگر بپزند
 تا نف رسد بعد از آن با حش آب اندر حدت مقتر

و هر روز ده مثقال آب شسته و با شیره تخم کرفس و اگر
 حرارت غایب شد با کاسنی و امثال آن رسوخ نماید
 باب شربت در دمل که رسوخ جهت اخراجات جرب
 و حکم و امراضی حکم و سودای رقیق و ضعف که صفراوی
 سوخته نفع و مورت نشسته مصفی تخم کاهو و بنابر
 و مصطک و انیسون از هر یک یک مثقال با زعفران هر یک یک مثقال
 شربت مذکوره را با وزن مذکور کوفته شربت بیندارند
 تا بچشمه و طریق آنست که پنج رطل به جوش آورده
 چهار رطل دیگر کلن زده بچهار رطله بریزند پس هموزان
 با شکر بقوام آهند و قدر شربتش از ده مثقال بیشتر
 و اگر با نفقه زن با سکنجبین بنوشند جهت دفع صفرا
 او را است **باب در جلاب جهت**
 نبه

۴
 نبه و تشنگی و حرارت معده و جگر و حصه و آبله و تب
 و ق و تبها حراره که با رقیق باشد و بجهت تقویت آلات
 نفس و دین و منفع و مقوا اعضا و مود و ریل و عرق
 و بجهت ادرام احش و مفید است شکر سفید یک مثقال
 سه جز و عرق میبد مشک سه جز و کلاب سه جز و بقوام آورند
 و اگر سرد تر خاند عرق بنوشند از هر یک سه جز و اضافه
 کنند **باب در دفع دیگر شکر یک جز و آب**
 باران سه جز و کلاب سه جز و بقوام آورند **باب**
 شربت بجمجمت غلبه صفراء و تقویه طایفه تسکین
 نشسته معده و جگر را نفع است آب به شیرین

دو جزو آب یسوی کجوز شکر غلظت بقوام آرند ایضا
 شربت یسوی جهت غلبه صفراء و ضعف معدله صفراء
 و شکر نافع است ده رطل آب یسوی بپوشند
 تا بنصف رسد پنج رطل شکر بقوام آرند باب
 در شربت بنفشه منقول لکامر جهت تبها حاره
 و رطوبت بکین عین خون نافع است و بطن طبع
 سلا رطل بنفشه تازه بدستور شربت در هر روز دفعه
 در چهار رطل آب بپزند و بپوشند تا ربع برسد
 با سلا رطل شکر بقوام آرند باب
 در شربت بنفشه موافق غلظت کلامر جهت تبها
 حاره و آلات نفس و تقویت دل و اعصاب
 نافع

نافع با بهوش شیرین مستحضر ایست و بخلاف سایر شیرین
 شیرین در طریق ساختن او بطریق ساقی شربت بنفشه
 و بنفشه عرق بنفشه را با چهار جزو آب یک جزو شکر بقوام
 باب در شربت ترنج جهت خفقان حار و امراض
 حاره قلب بغایت آزموده است شربت ترنج را مکرر در
 آب بنویسند اثر ترش و جرم آن نماند پس در ده یک
 عدد در پنج معلقه پنج مقل قند اضافه نموده بقوام آرند
 باب در شربت کاذب جهت تقویت دل
 و توشن سودا و خفقان نافع است
 حکم کاذب جهت تقویت دل و رنج بوییت مقدر

جوش نه کمب اورا بدو بیت مقدار شکر بقوام آرند
 باب در شربت خشنی شش بجهت فروپاشی نافع
 است و حبس ترلالت و رفع درد سین و درد
 و گرم و حرارت و رفع تب و اخلاط محترقه و چینه
 با شربت و به موکر و مرفوع و سخته و عده فصد نباشند
 و غصه فصد و تقویت قوتها میکند و قدر شربت
 تا بیت مقدار و قوتش در هر یک بر می ماند
 صد و شش شش رسیده را با تخم او کوپد و با پوست
 علاء بن کوب کنند و تخم را نرم بکنند و با ده مثل آن
 آب نیم یک جوش نهند تا به ثلث برسد و با مثل آن با شکر
 بقوام آرند باب شربت عذاب جهه
 سینه

سینه و اس فربل و تسکین تشنه و اطفاء حرارت
 خون و آید و تبها نافع و صلح حال اطفال است و قوتش
 تا هر یک است ص غلب بکرم کشته خشک
 عدس پنج کای از هر یک یک اوقیه در ده رطل آب
 بجوش نهند تا ثلث برسد پس صاف نموده بوزن او شکر
 بقوام آرند باب در شراب الکده و شربت
 کاه و نرگ کو بند جهت آید و با درخ و ماثره و جمیع ارضی
 و موزون تسکین حرارت القویه و اخلاط محترقه و شربت
 دل باشد و جهت برقان و حرارت جگر و معده و رفع تشنه
 و عفونت مغز و اخلاط و بیکو که آن رنگ رخسار و غایت
 مفید است سم

سینه

چوبک و مرغ کوب کرده بادیان و تخم بادیان بپوش
 پنج بادیان تمر هند و عناب و انبه بپزد که از هر یک
 یک رطل کهنه نیم رطل سبزه الطیب لک و چوب
 تاک کرده از هر یک چهار مقله صندل سرخ و سفید هر یک
 ده مقله و چهار مقله آن آب در یک شبانه روز بخت
 پس بپوش نند تا برسد و صاف کنند و با هر رطل که
 در آب آن ترش و آب آن شیرین از هر یک رطل
 بپوش نند تا بپزد و با یک رطل طرز زده که در رطوبت
 چند جوش دهند تا شبیه بپزد و از آنرا نشی بردارند و کافور
 زعفران و لادن و کاسه مقدور در او صاف کنند و قدر ترش
 از آن مقدور هفت نیم است بجهت اطفال یک مقله
 شربت

شربت فواکه معتدل مقدار اعضا در بر قوتها و جهت تقویت
 و ضعف احش و نافع است آب انار شیرین و ترش آب
 انبه امده ترش و شیرین آب سیب ترش و شیرین زرد و رگه
 کونج و خند آب زرشک و لادن یک نیم جزو باشد آب شکر کفیه
 بپزد آرد و بعضی یک جزو آب انار را خاضه می کنند و اگر آب
 انار را علاوه بپوش نند تا شربت رفته نشاند و انداخته
 با شربت فواکه شیرین بجهت تقویت احش
 و تقویت و صحتان نیست طبع و جهت صاحبان معال
 حوائق و نافع است آب میوه شیرین که مذکور شد
 با نشاند آن شکر بپزد آرد با شربت
 تربیة لک بزره سموم و لک زدن انفر است و جهت
 شربت

کرب و خفقان و غشيان و جراحت بطن از شدت قحریب
 است آب زرشک آب سیب زریا هر یک
 خد بیا با شکر آن شکر بقوام آرد و مردارید که
 با آب زریا هر یک بنزد شش مقفله مضبوط کنند
 در این وقت در اکثر امراض قیام مقام تر با قافو
 است باب در شربت مسکن از تافت حقیق
 جهت امراض بارده و ضعف معده و دماغ و تقیح سده
 دماغی سودا و مرغیاب نافع است و بهترین سهلا
 است که در شربت زرشک و سیب زریا و مقفله مضبوط
 مقفله تربت سفید قاریون افستین زرد و زرشک
 بنج مقفله شکر کثوت الطود و سیب زریا که هر یک سه
 مقفله

مقفله سبب الطیب مقفله غریب سبب زرشک
 بر عود هر دو مقفله آب بکر و زریا هر یک
 نافع رید با حد بنا مقفله بجنه مقفله بقوام آرد و زریا هر یک
 نافع مقفله استخوان سبب باب در شربت غوره
 که بجهت حرارت جوار و رفع عقوت اخلاط نافع است
 شکر کثوت زرشک پیدانه مقفله مقفله حذل
 سفید هر دو مقفله و پیده در عرف کاین آب بنج زریا
 جوش نافع صنفه با شکر بقوام آرد و زریا هر یک
 در ربوب ربوب را شرط است که آب
 انجیر که مقفله بنج حذل انجیر نافع که بر عود و شکر

مجموع آن قابض تر از اثر به است و اگر در بعضی شش
 اضافه کند بایک قدر قلیل باشد با در معجزان اعظم
 که اسحق نامند جهت زجر داسکالاس من بغایت مفید است
 چند پد تراغون برالنج معیه که مساف اسارون
 زعفران کندر ناتجواه با سوبه با سوبه بر شسته و در نیمه
 کامر حیدر طین از من نیم کرفس سبزه آن اضافه
 نمه باب در معجزان چوب چیر جهت تقویت
 معده و دل و دماغ و جگر و کرده و باقر اعصاب و تقویت با و فر
 بهرین و فربه ص پنج چیر مقفی تحفه قسار را جور در
 دو مقفی بوند اقیقون سبزه از هر کدام مقفی هر

۹
 شش خود حقیرین بیشتر از ابر اسرون مکمل مقفی
 شیر پرورده ده مقفی که خنجر مقفی سکه صید ماهی رود
 پان مکمل مقفی و از چیر قنقره نیمه کرام اورد
 مقفی جوز بوا بسببه مکمل مقفی درونج زربند
 از هر کدام مکمل مقفی خضه الشعب پنج مقفی که خرنج
 ششم نیم ترب نیم یونجه لانی رخ سفید حک مر به لند
 کرام مکمل مقفی پوزیدان بورنجان مکمل مقفی مقفی
 ده مقفی که به چیر ده مقفی خولین قطرین یک مقفی
 نو در رخ و زرد مکمل مقفی سعد مکمل مقفی درق منقط

سندس اجر الجموع را ب بند کاف و ز بان باد بربوبه
 کفر خ و دواله از هر کدام هر مشق بکوش تند و صاف کند
 و خشتی شنی سفید تخم خربزه تخم خیار تخم کالینس تخم
 خرفه از هر کدام ده مثقال در آب محلول بخورد گرفته
 اخلاقی به آب شیرین صد مثقال و آن را شیرین صد مثقال
 و کلاب صد مثقال و قند و دیت پیت مثقال و سر
 و دیت پیت مثقال بقوام آرد و غر الهام مفید و
 مغز گردکان معرجه خورده از هر یک ده مثقال و تند مردم
 گرفته در عسل حل کنند و اجزاء سه به آن برشند و حقیق و
 منظر را جهته سرد است عا و اخلاقی به پیت مثقال و خوب

چینه

چینه را چوش نده د آب ادویه با عسل بقوام آرد و داد
 و به سه برشند بغایت در افعال قویه است بدانکه
 باب سرد و تالیف حقیق بهر مشهور و نام
 و بان طه و مقواحت و مفرج و بجهت لطف و آلات
 نفس در اول و دوم کرم و به بر تربت و موافق اکثر
 از جرم جوز بود و بقیه از هر یک شش مثقال و به کوبیده
 و به ام مثقال و روغن بادام و مشق زنجبیل و کوبیده و خوب
 تا بنده و از چنبر اس رود و آن را العصاره از هر یک مثقال
 و عصاره روقن و خونیان بهر سرخ سفید انیسون از هر یک

یکمشتاق خنده الغیب بیت در مشتاق شوق تیر بیت
 پنج مشتاق در کرب، باشد بهتر است کثر الغیاب خنک
 از هر یک در مشتاق سر کف گرفته و تعلق پنج مشتاق
 در شب بزد که مشتاق پنج مشتاق از هر شب بزد
 عشر را حده مشتاق بهر که **باب**
 در مفرج یا قوی که ترکیب بسیار ترنیا است و مؤثر
 حقیق و الدجیر تجربه که به اندک تفریح در زیاده یاد که محقق
 چنانچه امر چه است در جبهه توحش سودا و انواع مانع
 و تفریح و نشاط و تقویة اعضا، ریشه جبهه ناقص و اکثر امر
 معده و خفقان بغایت نافع است قرض و مجوز است و

که ص مردارید که با از هر یک یک در نیم ابریشم مقص
 سرطان چند حرق از هر یک یک مشتاق و یکد آنکه سخی اطلال
 در داندک ان الشوریخ درم یا قوت یک درم پنج فرغشک
 تخم و در نجو به کم، در پنج برک به در نجو به از هر یک یک درم
 بخنجر سرفه و فیدعه هند و حبه الازفر مغول لاجورد مستک
 سیمه دار چند زعفران هر قاقه یکا ریس به از هر یک یک
 مشتاق اقیتمون درم نیم اسطوخودوس یک درم جدا در
 یک مشتاق و اگر نباشد زرد ناله علف او قدر استا مشتاق کند
 و در پنج درم و در مشتاق تخم کاسنیخ درم پنج خیار درم
 ترنجبین ده درم کلر سرخ چهار درم مشتاق کافور یک

لا جبر و لا غر و معل طبعی است که مختوم و حقیق بدل آن که از دختن می آورند
 و مشهور است کرده و در شرب سوخته از کل مختوم است همه منزه و زعفران کباب
 و در پنج زرب از بنا و در هر یک متقال مرجان موارید که از هر یک متقال
 و انکه متقال غوطه متقال ورق طلا و نفوذ و با قوت سنج از هر یک متقال و
 حقیق بد من طلا و نفوذ متقال متقال کوفته و بخت کند سفید و بخت متقال
 آب بخت شرب و شربت آب سبب شربت و کلاب آب بخت شربت
 و آب تر شرب شربت و اگر نباشد آب بخت و آب زرب از هر یک متقال
 سه متقال بقیع آورده بشوند قدر شربت از یک متقال تا ده متقال و قدر شربت
 سالان قیت مفسر و مکرر از گناش و بخت شربت همه تطبیق اضلاع و انتعاش
 اوج و بلطاف و قوت بدن نافع و گرم و خشک است در دوزخ و قوت شربت
 در قوت و قدر شربت شربت متقال باء الدرد یا آب یا سبب
 قاقه صفرا و کبار از هر یک ده متقال زرب زربا و در پنج قوت شربت و در
 قوت شربت سبب سبب سبب از هر یک ده متقال سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 فلفل

فلفل از هر یک متقال موارید در دست سفید سفید و قوت شرب و ورق
 طلا از هر یک متقال زعفران یکدم مصلک یک متقال ورق مراد ورق الفار است
 و رس بری نیز گویند نیم متقال فلفل ابریشم نیم متقال همه با یکدیگر حبس شده
 سه روز پیش از شربش و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 مرزنجوش سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 همه رفع خفقان و در غوطه و سقوط قری و صداع مزمن و امراض دیگر و شرب
 نیمه غنی نافع است و در پنج قوت سبب و در هر یک سبب است و خون و قوت
 میکند و کسل و بلاد سوزا می گرداند و قوتش یک آن قوت شربت
 او یک و قوت سبب آب سبب سبب در طبل که در او اطفال این قوت و طلاء
 بقره سبب سبب سبب قوت سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 متقال کوفته و زربا سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 با نه سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 شربت سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

و از شش نه اند باب مطوح الصون و غاریقون مطول کامل
 جهت اخراج بلغم سودا نافع است بیلد رر و کبابی و سیاه
 پوست بیلد لطف مقش میریزند اند الی بخار اکل کا در زبان
 گیاه غافث باورنج بویه اسطوخودوس ساج ترید سفید
 محکوک در پنج رطل ایستاده تا یک رطل و شلش
 رطل باند و صاف کنند پس انقرون اضافه نموده بپوشند
 تا یک رطل باند و غاریقون را در آن حل کرده بپوشند و باید
 که غاریقون را با عمل شده باشد و بجهت صاحب جنون
 و الی لیا صبر سقوطر فرین سیاه اضافه کنند و جهت
 اخراج بلغم لزج بجای صبر و فرین تخم القلک کتد نفع و یک
 که قوی تر است از جامع این الدوله بیلد کبابی و سیاه
 بیلد لطف مقش را بخار ترهند بر پاک کرده از لیف

و دانه مرزیزند اند سنایی کل سرخ انقرون گیاه غافث
 اگر نباشد شکوفه او خوب است شکایر باد و اسطوخودوس
 کا و بوس کا قیطلس کل کا و زبان باورنج بویه ساج ترید سفید
 تخم باورنج بویه تخم بختک انیسون را زیاده بسج و خرق
 سیاه ترید محکوک شش رطل آب بپوشانند تا برنج رسد
 و انقرون اضافه نموده بعد از سه رشتن کتد انقرون را سه
 پفشارند و صاف کنند و غاریقون را و صبر زرد و کتد لطف مقش
 غیر منسول تخم القلک شکر سفید مجموع را که پیده در آن حل
 کنند و بیکرم بپوشند و اگر خواهند که اخراج صفرانیز کنند بیلد زرد
 و انقرون بپوشانند و اضافه محلول نمایند باب مطوح

جهت ربه و شوق النفس و سر نه نافع است غنای پستان موز
 پستان نه بخیر نه در اصل السوس مخلوک ز پوست پرسانشان تخم
 خطر تخم خنای ز نفعی خشک چرخ سوسن جلد و در چهار رطل آب
 بکوشند تا برج رسد پس صاف نموده هر روز شش مال
 او را با بنفشه و یا بالعون شش یا مجون نفعی با صاف و روغن بادام
 بنوشند نفع و دیگر که جهت ذات الجنب و ذات الریه و درد
 سین و سر نه نافع است غنای پستان نه بخیر نه در موز
 پستان نه اصل السوس مخلوک پرسانشان تخم خطر تخم خنای
 جو مقشر و در چهار رطل آب بکوشند تا برج رسد پس
 صاف نموده هر روز نیم رطل را با روغن بادام بنوشند تا
 باب مطبوخ السعال جهت درد معده و ریه و بواسیر

و صرع و امراض سودا و سعال است هر روز سه شال بسفنج
 شال خیسانیده بکوشند و صاف او را با بنفشه خیارشیر
 و روغن بادام بنوشند و بدست ترنجبین موز است مطبوخ
 اسطوخودوس منقذ از تکره جهت اسهال و سرداری و حره
 و صلابات و سوسن و جنون و مالونین و طرق النس و مفصل
 صاف کردن خوف و کدورت و کد نافع است بسفنج مغز و آنه
 قرطم غنای پستان اسطوخودوس کل با بونه قطره ریون و فینق
 ایتمون سورجان سفید با سه شال و دیر آب بکوشند تا
 ببلش رسد پس صاف نموده بنوشند و اگر با درد رسد و
 تعاد بخارات و پوسته و مانع باشد انجیر زرد و کبر و روغن

باب

بادوم پر سیاوشان صقر در خوش اضافه کنند و اگر بار باریع غلیظه باشد
 با صغیر در مجاری رود و کافور بپزند با آب جهت
 رویانیدن گوشت بن دندان عجب است و اگر از لای
 برید اشفاق دارند و ده مثقال از در کسره را با عسل شسته
 بر در را چرب و در تنور بگذارند تا نرم و یک بسوختن رسد
 و از کنند و دم الدخون هر یک پنج مثقال و از ابرس و در آن
 مدحج از هر یک دو مثقال اضافه کرده سنون کنند
 ماسه منقول از عظام و از حرمات حس است
 جهت رویانیدن گوشت لته از زمره است گوشت
 حرام را پس از تر حرام سوختن کرده از جرمال سوخته

سنون از تالیف حیدر موافق اکثر از مزه است و در سکنین
 الا لم وضع خل و در واییدن گوشت و منع رخیق بود از مرد است
 باب سعد طباشیر کل سرخ تخم مردو کل ناز فلفل کات هندک
 که مزاج اتفاق از هر یک جز در ساق سه جزو سنون از صابون
 بقراط در اللطی از جهت جلد دندان و پاک کردن لوز از دماغ
 و سفیدن کردن بسیار مؤثر است زبد الجوز یک سوخته با سوه
 با عسل سنون کند سنون و دیگر قیر از آن وسیع لازم است
 یک سکن صدف سوخته زرد اند مدحج چغنی سه ختمه جوخته
 سفال چینی ماسه سنون کنند مسحق و بنا و زجاج سنون

و سابع در حال دندان را سفید کند و هرگاه زرد در دندان
 رنگهای دیگر تر باشد و در جوهر دندان نفوذ کرده باشد زنگار را
 در غسل حل کرده بر دندان مالند و اگر قویتر باشد مستحق قاضی
 سنون منقول از ابلهاتی جهت رفع سیاهی دندان مجرب است
 قبیل ده درم نخل چهارم حمزه سه م سابع هند حوض حرق
 از هر یک درم سنون منقول از شفاء لاسقام جهت
 خون ازین دندان و حرکت آن زبد الجرش یا آفتاب کمار
 ماز و پوست از آن از هر یک جز در یک نیم جز و بعد از آن
 سفید است و کلاب کند سنون منقول از ابلهاتی جهت

جهت دندان متحرک که بسبب قوی گوشت لب باشد
 نافع است عود مسوخته شب یا کمار سیاه آفتاب با سیر
 استخوان غایب و اگر سبب حرکت دندان از بیادنی و طوبت باشد
 مسوخته بابت آرد به که در مضمضه مذکور میشود مضمضه کرده بعد از آن
 این در از بر دندان متحرک یکبار شب بانی سعد معنی کاسته
 ثمره الطرف شمع کاو که هر یک جزوی یک جزوی معجون میل
 که بعد از آن مسوخته باشند مرصاف زعفران از هر یک
 جزوی و نصف جزو سنبل الطیب سد اب خشک با کز
 هر یک نصف جزو با هم نرم ساییده با هم سرشته شده
 نمایند تا باقی الله است از تالیف قدما بجا است و هر یک

در سنگین درد دندان زنجیر فلج حلیت چند پسته زدن
باسویه با عمل سه شسته بر دندان درونک قدر بگذارد
و مخالف شفاء اللسهام این را دودید را راضا نموده است
مرصاف زرد و زرد سحر جرح بیدار شیخ زهر سیرک
اجزای سابق و آنچه در سنگین درد دندان مکرر تجربه شده است
با لیدن عمل با فلفل است هرگاه سطلونه در لک
و مانی باشد و بدست هرگاه فلفل در پوست خنثی شود
در کلاب بگوشت شده و از بدن خلل کنند و راح
ساکن کعب و بدست رشتلج بند را گرفته و کف
دست کرده بخلاف جهت موضع در دانه داشته

تکیه یا بجهت کند بجهت امانه ماده مانی صیه سنگین دهد
باب شش در شفقت است و سایر ادویه عین است
کحل در زرد عبارت از دودید نمونه از هر عر است که در چشم
استعمال نمایند بدون سرشتن از بجز زرد آنچه بایست مخصوص
پسته باشد و مانند زرد استعمال نمایند مثل ترتیبی
غوره و امثال آن و مخمخ آن سکیار نس است و چون لک
از کافور و بردات ترتیب داده اند تفسیر رسم نداده
و شیاف است آنچه با یعات سرشته بقا طعی قطع کنند
و در سایه خشک نموده با یعات مل کرده استعمال نمایند

و گویند مخرج او بقراط است و اگر کتب بر نافی مستفاد میشود
که قبل از این تا تکیف پخته باشد و کل مخصوص با نچه حاصل و چشم
کشند و در روز پنجشنبه و فخری چشم نیست بلکه
مخصوص قطع زرق الدم جراعات است که در باب مرگ
نیز مذکور میشود و در به کل استیسی مذکور است که اگر
و حی تزیف کس شده و گویند مخرج او قشیا غورس است
و شدنت که استعمال آن بعد از تنقیه باشد و صاحب
مزاج حار کل عار را در شب و در وقت صبح استعمال کنند
و کل عار باشد و مزاج مرطوب بارد و در غرور و چشم کشند
و اگر هر روز بارد المزاج باشند در وسطه روز هرگاه بجهت

نزول آب و اشک آن استعمال نمایند یا در مرغی
پشت بکشد و هرگاه ملک در ابعان باشد باید
بعد از کشیدن دار و پلک را پوشیده بر او خواب کنند
و هرگاه بجهت و معده باشد یک را بنشیند پوشید و بر پا
و بر پا است و ده بکشد و بدسترنیاید و در امتلا معده
استعمال نموده باب کل و شنای یا بد بعد از
شستن و وزن بعد از الف سیرانی یعنی مقدر البهر است و جابر
الوهمی است و مخرج او بقراط و گویند قشیا غورس است
جهت ضعف بصر و غشا و در معده و سلاق عار و ابتداء

اب سبل و جرب نه که حفظه صحت عین بغایت نافع است
 راستی و مطلقا مقاطع حرق که هر یک را پاره مرتبه
 باب کرم شسته باشند از هر یک پنج مثقال نرشد در جرب نرود
 و در انفل زعفران مراد از هر یک مثقال زبد را بجا بید
 کاپا زعفران هر یک نیم مثقال اقلیدیا نضی نیم مثقال
 نضی هر یک ربع مثقال را بافته بدون که استعمال نماید
 و اگر با فراغ مذکوره استعمال نمایند باشد در مثقال سر سره افشان
 کند و اگر با فراغ باشد از انسانی در مثقال یک که اگر ضعف
 اصفهان باشد سبل الطیب ام نیم اضافه نماید و بکشت برود

مفرط ربع مثقال نضی داخل کند کل جبت اح را از لطف
 شفا و الا سقام و صاحب نه که گویند جرب است و خان سبب
 گویند که در چراغ با روغن گل سوزانیده باشند با قدر سنگ
 و غیر اینجه در چشم احوال باشند کل بیاض که البته شای
 روز زایل میکند هر چند که صاحب علت باشد مایوس
 باشد منقول از مفتاح تبهة الجرب بوده از منی سر کین مسمار
 شکر سفید مسخوینا با سوبه با یکرطل ای که مایه بران درج هر یک
 و ده م را جوشانیده تا بر ج رسیده باشد مکرر در لثاب
 ساییده پس صاف کرده خشک نموده از بافته بدون کرده

استعمال نمایند کل و ص از تالیف جالینوس است و جهت
 قصر و غلبه بر و حکم و کشد و دفع است و حافظه صحت عین
 سفید آب مغز است مثل اقلیا فصفی ص در پاش در پنج دار
 نباشد مفاطس حق مغز یک چهارل افول بسا
 نحس حق مغز زعفران هر یک یک شقال مافور یک قیراط
 کل مساجج از تالفه مامحجب الفل است در دفع بیاض
 و غشاه و دوسه و حکم و استرخا جفن و از اراض چشم و جلد
 و حافظه محمد است و گویند چون روز شنبه و چهارشنبه
 با صل طلا در چشم کشند اندوختن این بخود سه ماه افکار

مرقشائی نصر یک هر یک چهارم اقلیا فصفی یک
 دوم سابع هندی یکم مرادید زعفران هر یک نیم
 مسک چهار قیراط کل جهت دفع بنایت جگر از قند است
 توتیائی کرمانی مغزول ده م بد پوست پیل زرد صبر یک
 دوم نفل نیم شقال کل مقوی از متخرن و بنایت
 جهت ضعف با صره و غلظ روح و زوال آب و حیالات
 مفید است و در جمیع امارت و تیز از شیف مرارات
 و بکده ادریست پست شقال و قشائی کرمانی مغزول
 باب مرزبوش تر که کیش بود از کشته باشند و گذارسته

و گذاشته مانده نشین شود بصاف از خمیر کرده خشک کند
و بسایند و در نجیل نخل در آن نخل ما بران هر یک دو مثقال
و نشا در یک مثقال جمع را که پیاده بابت راز با نه ترب بند
و خشک کنند پس با توتیای مد بر مکرر از هر برودن کرده استکان
نماید کحل الاشفقان جهت رو بایندن مژه و از بند شدن آن
بغایت مؤثر است و آنه فرمائی سرخش پنج مثقال دخان الکندر
چهار مثقال سبیل الطیب سه مثقال حجر الاجر و در حبیبان
هر یک یک مثقال با سیل برشت مژه بشند کحل الجواهر
از آن فرمائی متاخرین است و جهت تقویت با حره و رفع

در رفع غشاوه و تقویت طبقات عین و ابصار و دود معده
و جرب و سبیل رقیق و انشا رافع و حافظه صوت است
سرمه اصفهان ده مثقال توتیای هندی که غیر قسم طاهر است
مرقشیائی دهر مرجان لاجورد مغسول پنج بند فریزه
درق نقره ما بران فضل سفید اقلیمیا و در لوبال انشا رافع
و اگر نباشد مقاطیس عرق مغسول و یک چهار مثقال سرخ
بحری شش مثقال یا قوت بسد لعل زرد و زبرجد درق طلا و زرد
و در فضل عقیق یمنی از هر یک ده مثقال نعنزان سه مثقال
و در بعضی نسخ دهنه زردی چهار مثقال به نذر سید و در بعضی

سه سه س وی سایر اجزا است و صمغ عربی که تیرا منقش برنج
 صمغ الوری که یک پنجم شغال انیون سه شغال اضافه کند و مقبر
 والد این نسخ را استعمال نموده با مقدار اقرب است و طریق داخل
 کردن ورق طلعه و نقره آن است که با صمغ عربیت کبراشته
 بر روی سنگ ساق چند آن بسایند که مکس گردد و کل آن را
 جهت رفع بیاضی بعد از است در اندک زمانی قطع نماید
 شیشه سبز حرق منقول دوم برده از منقش اجزا هر یک
 یک شغال و زرد جهت مورس بر جایست نافع است
 موافق احتیارات ابن ایل و ابلاتی و شفاء الاسقام سقید

قلع و چهار شغال انیون صمغ عربی هر یک شغال یک
 حرق منقول شش سه انیون هر یک لعاب بزرقطر شسته
 خشک کند و باز بسایند و زرد نماید و زرد در روغن جهت
 مورس بر و جهت شیشه بودن او در رنگ بر مورس بر آن است
 سفید اب قلع و شغال و چهار دانگ صمغ عربی یک شغال و
 در دانگ از زرد است نیم شغال نخاس حرق انیون هر یک
 دانگ شش و نیم چهار دانگ اگر نباشد مقادیر حرق بل
 او کند و زرد شیشه بر جهت بیاضی رقیق و جرب صکر
 و حره ملو و بقایای رمد و حره و دهم حاره نافع و حافظه

دار نموده است پست شغال شنبلیله را با پست شغال
 گیاه مایه پاشیده و سه روز در آن آب گذاشته پروان
 آورده و خشک کنند و از مغز شغال دوده هم صمغ شقایق
 از زبوت نبات هر یک ده گرم کرد و بر قطره از کرچیدن
 اوجده است و بدستور دوم انبوه از گوجه فرنگی
 زرد و بقی بسیار لطیف و محلی مدد و محقق رطوبت
 و جهت اعراف چشم اطفال بسیار نافع است از زرد
 شنبلیله از هر یک جزو بر صحت السورانی است
 از هر یک نصف جزو سفید این پنج جزو در زرد و صفر

منافع از مثل منافع زرد و بقی است و در قطع و مدد
 و منع زایل سفید از زرد است جزوی صبر زرد و نظایر
 تخم کل سرخ از هر یک جزو و انبوه هر دو با یکدیگر
 زرد و سفید چون در دین مذکورین را با بقی سفید
 کنند باین است سفید زرد و کافوری جهت حرارت
 عین در مدد خفیف صدف محرق مرادید مکه و شغال
 شسته یک شغال کافور دانی زرد و مدد سفید
 از مساجات بقراط که جهت حمرة و مدد در چشم

که از تپان طغیان خون باشد بسیار نافع است شسته
 کثیرا ضمیمه الوکمد مل صغ عرب شیان مایه یک شقال دیم
 و در ویران از معالجات بقراط جهت اختلاج فلجم و
 و امراض بارده و مزمنه و تقویت بصر نفعیت از مرده است
 زنجبیل قرقر مل بران فلفل و از فلفل توتیا کرمه مغول
 مکه یک نیم مع عرب یک در در جهت مریح و قرحه
 و شور نفعیت از مرده است سفید است قند است
 سفید طیس حرق مغول مع عرب مکه شسته است انیون
 خاص حرق زعفران مکه نیم کافور نیم و مکه نیم

۲۵
 منقول از طبقات بقراط جهت رفع حرقه چشم در
 و جلای آن و طرفه بن بطا از مرده است برک غیب
 انقلاب سوخته کثرت سوخته مرده و مرده طبع
 حرق مغول یک مکه که در کران جلای نقره با دیند
 با السویه برود منقول از معالجات بقراط و ایلان
 جهت سددن و درجه و جرب و سبل و ضعف
 بعد و شرفاق و سایر امراض نافع است تربتی
 کرمانه مغول بایب غوره تازه پرده زرد و چوب
 مکه ده حرقه مکه زرد با تم زنجبیل مکه در فلفل و ایلان

مکه در نیم مکه نزد یک بعد از استیدن تا بجزیره باب
 غوره سائیده خشک کنند و قیاس غوره تر بجای که باز داشته
 هفت یا رباب غوره سائیده خشک کنند
 و معده و جرب و حکم و حرارت عین نافع است و چون باب
 نارنج همین عمل کنند و لایم امراض عین نافع است خصوصا
 جهت رمد مزمن و مکه و ورم و سلق و جرب و رفع
 زکات و تقویت طینت و حفظ صحت عین و رفع
 اشتقاق و التهاب و چون باب انارین پرورده کنند
 جهت امراض مذکور نافع و محلل ورم عین و تقویت طینت

و چون باب مرزاجونی پرورده کنند جهت حده و برطرف
 مرزاجه و تقویت و بدست مرزاجت تر از پخته همین اثر دارد
 بر حلقه قاصدین بجا است مقوی و محافظ صحت و قاطع
 و معده و جهت بیاضی و مکه و جرب مزمن و تحلیل ورم نافع است
 و از آلبف جالبینوس و مسند لک و کل ارمانین است
 و تریاک کرمانی سنج خاص و حق مکه ابر و جرب و نفصل
 و از نفصل شاد و رفع مفعول یا مقصا طینت و حق مفعول
 مکه نصف جز و دیشا مضی تشنج از نوت زبد البحر
 مکه ربع جز و سائیده باب انارین تا بجزیره پرورده و رب

در افتاب که از اند پرده القاطع و بر در شبانی نیز نامند
 از آن لطف محمد این ذکر است و او در تقویت اجنان و
 در دیارین مژه و رفع برصی اجنان و تقویت بصر و معنای
 مجرب است اندک سبیل الطیب سرمد افغانی مکه یک جزو
 دانه فوایدی که هر روز را بخیر گرفته در برشته باشد مکه نفی
 بعد از این بیدن باب کشنیز باب سرور پر دره
 خشک کند برود اکسیر را و برود اخر نیز نامند از آن لطف
 قدماست و جهت الحام قروح و تخفیف رطوبات در رفع
 جرب مجرب است شافعی هم و اگر نباشد مقناطیس

محرق منقول سرمد ۲ و ببال الفاس این صنف سوخته است
 قلعوس و اید مکه نفی جزو افغانی فخر صنف عربی است
 مکه ربع سائیده باب رازبان سر پر دره استعمال کنند
 شیان ایمنی از آن لطف بطراطه است جهت امراض عده
 و تحبیل ادرام و روم آن مفید سفید است قلعوس صنف عربی
 مکه ۴ نشاسته انزروت مکه ۲ و چون ربع م افیون
 اضافه نماید شبانی ایمنی افیون نامند و چون در قیراط
 تا نیم شقال گذر اضافه نماید گذر خوانند و گذر جهت

قروح اقر است بعد از ساییدن با لعاب بز قطونا
 شفاف سازند شفاف است این جهت بقایای رده نماند
 کبریا صحرای شایسته اندر یک یک جزو مرصاف دم الله فوئلا
 زعفران مکده نف جزو شفاف و در درازنای بیاضی از منون
 رابع و محلول و سکن مراد و مانع نزلات و متورم اعضا
 عین و جهت رمد و درون نافع و عظیم الدن است در هر رخی
 حاره کل سرفه بی اقع ۴ ضد سفید و سرفه مکرر
 حقیق کبریا صحرای شفاف مایه مکده یک با مکده بایند
 شفاف بایند باب صحرای سمنونات

۴۸
 و غرغره و مخمضه سمنونات ادویه مخصوص با راقی و نداشت است
 اعم از مکده بایند و بایند و بایند و بایند و بایند و بایند
 مرقف تذکره گوید که سمنون از غرغرات جرجیس الله
 بخشوع است و ظاهر این کلام اصغر نه شسته باشند و از کلام
 قدما بودن اظهار است و در استعمال سمنون شرط است
 که معده محلی باشد و قبل استعمال این را با آبها سرد و پیه
 سنا سه بشویند و بمساک و اسنان آن پاک کنند
 سمنون بعضی از معالجات بقرطی جهت مسکن نمودن

دندان و گوشت بن دندان در رفع خون آمدن و منع کرم
خوردن در بختن مواد از دماغ به بن دندان بغایت مفید است
در رفع بدبو زبان میکند و جلا بآید دندان بیداد چون
با روغن زیتون و یا قطران سرشته بر دندان در دندانک
گذارد و حال دفع الم میکند و چون بستر که غلط گفته
مضمضه نمایند دندان سحر که را مسحک و سکنی گرداند و
فی الواقع بهترین سننات است صی عاقر قارص خارج
بعد از هر یک شش شغال پوست از رومادر سبز

۶۶
کند و گندار کل مسرغ مردارید به شغال چینی از هر یک
سه شغال پنج سوسن کبود چهار شغال شام کاکا و کبریت
دندان فیل دانه هیل و یا شیره تم فروخته نشسته کثیرا
کشیز خشک بر داده عدس از هر یک هفت شغال زرد
الجر مله سگ صدف سوخته حازون سوخته شب فی
از هر یک یک شغال و نیم فلفل سفید صمغ عربی
از هر یک یک شغال بعد از سائیدن اجزا و در آمدن
کافور اضافه نمایند مسنون از نابین و الدمه است

جست دیا نیدن گوشت بن دندان دروغ بد بردن
نافع است ص دم الاخرین کز مزاج ریزد و
جوزا سر و کند ریخ فی سوخته طباشیر افاقا کل سرخ
کفنا رجفت البوطه پوست پوست زنا ترش
از هر یک جزوی قصب الذریره نصف جزو در وقت
خواب استعمال نمایند سنون از جربات و الدجیر
جست دندان بغایت از زمرده است ص هو جوب
از دجوبه تخم ریجان سریش پوست درخت کتیرا با دام

۳۰
مقشر صمغ عربی از هر یک دانگ فلفل پنجه بسیار
شرم سائیده استعمال نمایند سنون متقون
از اختیارات ابن سینا و شفاء الاسقام جست
پودن گوشت متعفن داخله و سیلان خون لبه
بغایت نافع و پدید است ص زینج سرخ در د
و ایک است نذیده زاج سفید مازنی سبز با سوسه
قرص با سوسه که با زنده اکی را بپخته با لند و بعد از
ساعتی بشویند و اگر سوزش کند بر دهن کلی سرخ

مضمضه کند سنون در یک جهت تا کل و بد بر زبان
و چو ک بن دندان ناز و سبزی سورخ و دوجزو
و مرصاف یکجوز و باروغن کل سورخ با لند و بر سر که
عنض مضمضه کند سنون در طبقات تا زیر میبند
اقلیاء حرقه اصغ عربی و تدارهند غنفل سفید
مکه سفید اب قلعیع اشن سکنج روغن با سان
باوشیر مکه ۲ روغن بک ان باشد روغن لیمو و بنون
از بهره کفزار لند زهره کبک مکه زهره بنفشه و عقاب و

و کاه خردس و کرک و مزاب و بار مکه و بنفشه اشن
قدس سه میفرماید که خرد و زهره بنفشه و کرک است
و سبز مرار و در کلا نیست و باید بابت راز یا نه انحال
نابند و از جرمین تضرع یافته که زهره عده که علیولج باشد
و بوم که جعد گویند و کبک و روغن نزول اب و فستق و
جرب است و چون زهره علیولج را باب راز یا نه
انحال کند جهت اخراج سم جرب و البته اند
شیان نقایع بنایت لطف و پد غایلم و جهت

و جهت قروح و ضربان و غشاش و بیشتر سفید است

اقلبیای محرق مطفی در شیر از لبن یا شیر و خردان ۱۰

سفید آب قلعه مفضل زعفران یا کبریا ۲ باب

باران سه شته با سفید آب تخم مرغ استعمال نماید

شیاف کپس جهت طوایب و در مود و کور و سلاق

و در ب و بیاضی قریب و در لطف عارضه نافع است ساق ده

خود و در کمر درد و پیلید و در غصصی که در ساق جمود

با ده چند ان آب بکوشند تا برنج برسد پس صاف



نموده بکوشند تا برنج نشت بماند و این او را به باران

بکوشند و شیان سازند شیان ما بشا سه سه و شیان

کرمانی خاص حرق سفید آب تلخ یک یک خرد اتفاقا نصف

خود کبریا از بون نشسته که در برنج خرد شیان کما صفر

جهت رمد و حراره چشم و التهاب بکمر و مود و در ب

و سبل و در حراره و مانع و التفاق بک نافع است و در ب

جهت ساق پید اند و در خود و سفید آب یک خرد

کبریا نصف خرد کافور برنج خرد هر گاه ساق را بکوشند و آب

اورا تا نیاطنج نماید تا غلیظه لکچر پنج غره در کافیه است
 باب بیان دهن در زکرومان مخترع او مان نیست غره است
 و گویند اوله سطرله استخراج کرده هر چه از زرد و کله و مانند
 آن ترتیب دهند و روغن کچر و روغن کل در سخت و کز اصل
 آن در ادویه مفیده مذکور است مع خواص و افعال و مزاج
 آن و هر چه در حکم عطریات و اعمال غریبه است مثل رنگها
 غره و امثال آن بدستور در طری و دستورات در طریق اول
 مذکور است و فواید کلیه در او مان مرکبه درین باب مذکور است

از طریق استخراج روغن بزدر است که آن تم ترا کوبیده
 قدر آب گرم برود پاشیده با تشش گرم که بیفتد رند
 و هر چه از زرد و لکچر و از زرد و خشک گیرند با پاشش
 در آن آب بکوشند تا بر ج رسد پس صاف نموده
 با مثل از روغن کچر و یا زیتون و امثال آن بکوشند تا آب
 سوخته و روغن بماند و آنچه از کله های تازه و مانند آن گیرند
 بهتر است که کوبیده آب از آن گرفته با مثل آن روغن
 مناسب بکوشند تا روغن بماند و آنچه متعارف است

است که که با ۹ در روغن کرده با قیاب که از نذ و بعد از
 هر هفته صاف نموده که با ۱۰ تازه کنند تا سه مرتبه در کز باده
 تر که از عمل نمایند و تر می شود و این قسم متعارف ضعیفتر
 از قسم اول است و طریق استخراج روغن تخم مرغ
 در روغن گندم و امثال آن در قسم اول و سوسن و کدو
 بدانکه اکثر اطفال بر روغن آن مشکب می شود و مکر روغن
 حب البان که هر چیزی را که بر روغن او ترتیب دهند مشکب
 و بد بو دنا می شود و غلاف شکوفه که کفر نامند با صفت

لحم جمجمه الحسنة
 سکه
 لایق با جگر که بر روغن آن تر می شود

پایین در روغن با است و هرگاه خواهد روغن مار می کشند
 بجهت طبع و نموده او باید باز از هر طلی از روغن
 مثل اواب و یک و نیم منکر و کان و نیم و نیم یک که با هم
 ساییده باشند اضافه نموده بپوشند تا آب بخفتند
 پس سر که روغن را از آب جدا کنند و با زیت است
 بپوشند و صاف نمایند و مکر عمل کنند بحد که خواهند
 با آب صفت سبیل روی است در کل امر اخفی بارده

آب تا شش ساعت بپوشاند که بنفش رسد
 بعد از آن که یک شبانه در خفایا بنده باشد پس
 نموده با کل سبغ و حماما و دانه چغندر و سبغ دانه
 اگر آب برک مورد تازه نباشد برک مورد خشک کند
 در صاف مکه پست و سه مثقال تا سه ساعت بنشیند
 بپوشاند که بنفش رسد و صاف کند و با سبیل روحی
 و سبیل الطیب و قنقن و میوه سبیل و در غنی بیان
 و اگر نباشد در غنی زنبق کهنه و جوز یا مکه پست سه مثقال

مثل نایق و لقمه در عشته و قویج و ضعف معده و جگر و کلیه و
 شانه و کمر و سمع و درد جسم و احتباس صفی و درد
 اعضاء و اعصاب نافع است شرابا و اضافاد و احتقان
 قصبه و زیره و عود بین سعد و رقی الفار و قطعه قناریا
 مرزنجوش سبغ از خر قزو ما در سن ابل برک مورد و
 اذن الفار طله ال در تکره و غیره بدل اذن الفار قزو ما است
 نیم کوب که با صد و پنجاه مثقال شراب که سه یا چهار
 مانند زنبق و سبیل و هر هزار و یک صد و پنجاه مثقال

روغن کوبیده شد در پنجاه مثقال آب شش نرم بر شالیت بپوشانند
 تا آب سوخته روغن بماند آنکه صاف نموده استعمال ^{سبک} نمایند
 هر روز که در کتب مشانه و کلیه ساقین و ادرار نمودن بول و حوض
 و تحلیل ریاخ و درد کوش و صرع و صداع بار و خفا و اشتراک
 قطره راه احقاق با بغایت نافع است بارها هر یک از قیام از دست
 تازه و سه اوقیه روغن زیتون یا کوبیده یک مثقال هر یک از
 فوید و حب الشاد و عاقر قرقص در یک مصل آب کرده بپوش
 تا روغن بماند پس صاف نموده استعمال نمایند و پس ^{بسیار}

و این الطفل است و در این قشایط نیز نماند و اگر اطفال بزرگتر بودند
 دانسته اند خضر صابون تقویت به داشته باشد و در دست معده
 و در درمفاصل و نفوس و عرق الف بعد از است و عجیب الف
 سرور روغن نارنج دانسته اند عصاره قشایط و اطباء در رطل
 مجسمه سایل یا زده مثقال قطره روغن تخم خنظل زرد و هندسه
 جوع و نفخ خشک بپوشد و کوبیده در هر یک از سبک و کوبیده
 پنج سکن اسامی بونی ملکه ده مثقال عاقر قرقص و سامان آب شش
 روغن زیتون یا لادن صفر یا زده رطل بعد از خفیدن از دست

بگوشانند تا آب سخته روغن بماند پس صاف نموده استعمال کنند
دهن الکحل کلنج از کلاه بند است جهت اراضی بارور
مثل فالج و لقوه و درد مفاصل و اعصاب و از آله آثار تقویت
موتی و شرب و جهت تقویت جگر و معده و کلبه نافع و مدبر اول
و صحن است انواع هلیجات و بیلید و انکه کفلس و در نفل
زنجبیل مکدهل جاد شیر اشق بکنج مکدهل قرصه صید اول
حکمت بن تازه سد آب تازه مکده در ام با یکسزار و کرات
مشقال آب بگوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده
با چهار صد مثقال روغن خروع بگوشانند تا روغن بماند

دهن الکحل که کوبین الحارق نامند جهت صلابت اوج
رحم و معده و تشنج و در کجاست روغن بنج و بنج و تقیه
قروح و خروج جسم نافع است و غزان و اقروما و تقیه الطیر
ه پنج مرصاف او رسه صدف مشقال روغن کنجد کینه فسته
خینه هر روزه بر ام زنند و با صد مثقال آب بگوشانند
تا روغن بماند و صاف نمایند دهن البوب السعید مشقال
از قرابا و بنی ابن عیسی بنایت مرطب و جهت اراضی
یا بس و از آله ملک سودا و رو صناع و جذام و مالحوه و یافه

فهاد او شرباد سوط مغز قند و پسته و بادام شیرین و بقد
و حسب الصواب کباب و مغز تخم کدو و مغز بادام تلخ یا سوبه
که پسته گرم کرده بیفتانند تا روغن از وجود شود و روغن ^{الکباب}
منقول از شفا و لا سقام و دهن اللقوه نامند جهت لقوه
و نافع و کذا از طرق النفس و دالی و نفوس و تحلیل ریح و نفخ
یا ده و اشتها نافع و ظهور اوجیهت کردن از انسجم و سده و فحاح
در روز مکرر است و فرغ اوجیهت است جمیع امراض و جسم نافع است
و مؤلف تذکره گوید که مذهب اراج و عاده است حلیله شود نیز
با سوبه که پسته تقیه بر روغن زیتون بطریق تقیه نماید تا بر روی

۴۷
الش نرم سه سه مثل خود روغن را جذب کند و قطره کن
کند و دهن اللقوه که دهن را اوجیهت نماید و از جهت
رهبانان تا لیف فتمه در کل مرض بارد و مجرب است
و اعاده مایه سن میکند و جهت تقیه عصب و کمر
و صدمه بواسیر و تقطیر بل و سرخ کهن رنگ خض
از زده است و چون در زمستان استعمال نماید
محتاج به پوشش نشوند و نرم تقیه یک جز و زیتون
عاقه قرصا هر یک ثلث جز و نفلس سه اب هر یک ربع

بزرگ بانه وزن آن روغن زیتون بکوشند تا به ثلث
رسد پس صاف نموده استعمال نمایند این خلل موقوف
بدواء الارسی جهت بشور که در اصول شروسام
برسد و جهت جمع مراد غلیظه تحت جلد و فرزند جرب
و حکه نافع است پست مشقال روغن کل را با زرد مشقال
سکه که بکوشند تا روغن بماند و فرغیدن شیطنج بنسد
که با را با تانچ اسرک و انکا کاغذ سوخته را در آن قرار
ترنج سوخته و آن بهیله سوخته را سخت اسرک

نیم مشقال صاف حاصل نموده استعمال نمایند و این خلل
که در این الباه نامند از اسرار مکتوبه شمرده اند در تقویت
باه پدیدار است و چون با عمل معاجین با بهیله نهند
منافع او را تجدید نمیتوان نمود چون با شونیز استخراج
و این او نمایند در جمع اوجاع بار و به بغایت مؤثر است
و استخراج روغن کبود بجز آن مختلفه است و بهترین تقطیر
اوست که کبود را نیم کوفته و قرع مطین کنند بطریق
کلور قرع خالی باشد و از نالیف و مانند آن در کلوای

قرح کند تا در وقت معکوس کردن از دست خود در نشسته
 پروان نیاید و گویا ترتیب دهند و طبقه و طبقه قرح را اند
 سوراخ طبقه اول بطرف سفلی گویا پروان کنند که شکم
 قرح در طبقه اول ظاهر باشد و قابل را بدین قرح وصل کنند
 و بر اطراف شکم قرح آتش سرکین یا زغال کرب را بوزند
 تا در غی از اینها کلین قرح بقا نماند بلکه در این الحاح از آیف
 والد حقیق بر مخرج زمان تنگانی هم جهت معده به نظر در تحویل
 ریح معده و بکرم بعد است مقل ازرق سال سبیل الطیب

لطیف معکوس کند بطعم کشمش اشق اسارون تصبیه
 ازرق مکه ۲ بار در غی با پروان و در غی کل سنج با سوسه
 از هر یک نیم غل مخلوط نموده و در آفتاب بکند زنده و در روز
 هم زنده تا ده روز والد در خاکستر گرم بکند ازنده و این والد
 شیشکان جهت اسهال و ضعف معده و بکرم بعد است
 مقل ازرق ۳ سال سبیل الحاح ریح نافع است و از س
 شیشکان ۴ سال سبیل هم مورد بسان ۵ سال قمریه ۶ سال

قضیب الذریز الیکوب کرده باهول روغن کفجه با تشنه
 بچشند شکسته بسوزد و درین البلاد و جهت است و عا
 عصب و فالج و لقوه و امراض بارده نافع و نفع است محلل
 طبع سبیل الطیب امین فلفل و بچ شیطیج و راسن دار
 فلفل جز الفی بلاد در چ سوسن است با بونی رازیانه
 قطعه بوزیدان رزینا و دروغ سوسن است با بونی رازیانه
 قطعه بوزیدان رزینا و دروغ سوسن است با بونی رازیانه
 تازه و آب از هر یک پانصد ل با روغن کفجه است

پناه شغال بچشند شکسته و شیر سوخته روغن بون
 لشکر و یک جهت بر اسیر و جمع امراض بارده و تحلیل ریا
 عظیمه عظیم النفع است و از تالیف قدما است عقل ازق
 ال سوسن که رشتن انیون البفایح حبیبان با دارم
 مقشره بونی سفید زرب انکه شیطیج مکه و ال زنفل
 جز و بر اصل عرمان و در چینی بلاد و چند مکه و ال بزیج
 سینا و مکه و قلم کنند و شکر و تخم تربیز که خواص قطعه
 مکه و ال سوسن که رشتن انیون البفایح حبیبان با دارم

الجفرا فروع مکه ده مثقال شبت اشنه ورق النار فلفل
 عمل کف کرنته ررغن کا و در رغن ماسهین لفظ سفید
 قطران ررغن فروع دهین النار مکه ۳۱ ررغن زیتون
 ششصد پنجاه مثقال آب صاف هزار مثقال بخت کنند
 تا آب کموز در دهین النجاف از تا لیف حقیر حبث براح
 و اختلاج و تشنج و فانیج و لرزاضی بارده عصب و تقویت
 اعصاب و تقیج مجاری صفی و اوجاع بارده و تحلیل مواد
 غلیظه حرج است ص حسن لبان مثل میوه سکه مکه

ده دم اشخ فریقین حبث صفت خربق سفید رنگی
 شیطاح مایه بر جرم قنقل مکه شش دم جوز هزار قبیل
 و اقلین بله در مکه بخرم کند سالیوس شش کند پنجاه
 تخم تره بزرگ یا خواصه قسطرغ تخم شبت مکه چهار دانه
 مرزنجوشی حله سفید مکه دانه کرچک مغزی اشنه حله مکه
 نه قیرطایک فقه در هزار مثقال عرق بهار و امثال آن
 بخت کنند و بخت کنند تا به نصف رسد صاف نموده با

مشقال روغن زیتون و بچاه مشقال روغن پند انجیر کشتند
 تا روغن بماند و بکنج جاشیر و فرنیون و مویاتی میسور کنند و بکنج
 العظیم مکس مشقال در آب حل کنند و مرصاف و سبیل
 و غفران قصبه البره و قنقل مکس مشقال در چین پنج
 مشقال چند قنقل در قنقل مکس از حریر بگذرانند و همان
 دهن القسط جهت در درجکر و سوده و مفصل و فایح و قنق
 و تقویت اعصاب و نیک کردن رنگ رخسار و حفظ بین
 بسیار سودمند و یا بیدن او نافع است و مفتوح سد و در ^{سینه}

او جهت برودت و احتیاج موثر است قسطه تخ قصبه البره
 سبیل الطیب سابع سیده سائله ابرس قرقه شسته مکس
 قنقل در اسن اگر نباشد و ج سیده مکس در صاف ^{در آب}
 عوده ل که بجه با هزار حلیت مشقال آب خیسیده بکوشند
 تا بشت رسد پس صاف نموده با پانصد مشقال روغن کنجد ^{در آب}
 تا آب بسوزد روغن شیخ صفوان جهت التهام زخمها تازه
 حیرت است و از نسخه هند نقل شده و محلی اوزام بارده
 و مقهور اعصاب است بهل زرد و جوب نهنگ که بهند

دار بلد گویند ربه دار که چوب منور است اصل السوس که پنج
هنگ است چوب که پوست خا و عقیلان آب برک نیم انبوس
مکده ل برک خا و دوده چمر و ده و چکره سنبه باشد ال انزال
دینم چوبه و امرد اسک شجوف کات هندیش خان بشارت
ه ل موسم کافور چهار دانگ و عن کجود و یست شقال چوبه
و سنبه و برک خا و اصل السوس پنج عقیلان و رنه صد شقال
آب خسانیده بکوشند تا بشدت رسد پس صاف نم
باده او و براس نیده بآب نیم و روغن بکوشند تا آب
بسوزد و افکاه صاف نمه استعمال نمایند

مقول است که در اوم محمد نافع که قتل یافت بود عزت
در شب عزت بر او ز این شیوه در نماندند غم و
جوانی در دواحه محمد عظمی



